

نقد و نظر

جایگاه موسیقی در تاریخ ایران

در فن و هنر موسیقی، از قدیم الایام همیشه ایران و ایرانی در صف اول و در مقام نخستین قرارداشته. همه ما در باره ی خسرو پرویز پادشاه خوش گذران اما در عین حال هنر دوست و هنر پرور ساسانی چیزهایی شنیده ایم و درباره ی باربد، نکبسا، ماشاد، امین الدین محمود، که چگونه بزم آن شاه شاید عیاش را با سرودها و نواهای دل انگیز خود گرم و شاد و پرفروغ می کرده اند.

این خلکان در تاریخ معروف خود مطلبی درباره ی بعد هنری و شخصیت موسیقایی فیلسوف بزرگ ایرانی ابونصر محمدبن محمد الطرخان فارابی معروف به معلم ثانی که کتاب الموسیقی الکبیر او شهرت بالایی دارد، می نویسد:
فارابی با همان لباس ترکمنی عازم دمشق گردید. امیرسیف الدوله حاکم دمشق بزمی داشت. فارابی به طور ناشناس و با وسایلی خود را وارد آن مجلس کرد. از زیر عبای خود سازی بیرون آورد و حصار مجلس را متوجه خود کرد و آهنگی را نواخت که همه ی حاضران بی اختیار به گریه افتادند. بعد آن پرده را عوض کرد و آهنگی را نواخت که همه ی حاضرین در بزم امیر سیف الدوله به خنده درآمدند. پرده ی سوم را به قسمی نواخت که همه ی آن ها به خواب رفتند. فارابی چون همه را به خواب برد، ازمجلس بیرون رفت. امیرسیف الدوله چون به خود آمد، نوازنده رانندید. به هر طرف فرستاد تا او را یافتند و نزد امیر بردند. امیر او را بسیار نوازش کرد و تجلیل نمود و او را جزو مرقیان خود قرارداد و تا ۸۲ سالگی که از دنیا رفت، در دمشق به مصاحبت امیر گذراند.

بسیاری از شاعران ماه موسیقی دان و نوازنده هم بودند که در راس آن ها و اول از همه باید از آدم الشعرا پدر شمر دری یعنی رودکی سخن گفت که علی رغم یابنمایی از هر دو چشم، ساز چنگ یا رودک را به خوبی و استادی تمام می نواخته و از این حیث هم _ علاوه بر اشعار دل انگیزی که گفته _ در نزد امیر نصرسامانی بسیار مقرب و محبوب بوده است. پروفسور ادوارد گرانویل براون، ادیب ایران شناس معروف انگلیسی که تاریخ ادبیات ایران او شهرت فراوان دارد، در شرح احوال رودکی و آن قضیه ی معروف بازگشتی امیربخارا و آن چکامه ی: بوی جوی مولیان آید همی / یاد یارمهربان آید همی /رود آموی و درشتی های او / زیر پایم پرنیان آید همی

تا آنجا که گوید: ای بخارا شاد باش و دیزری / میر زی تو شادمان آید همی / شاه ماه است و بخارا آسمان / ماه سوی آسمان آید همی / شاه سرو است و بخارا بوستان / سرو سوی بوستان آید همی / اظهارنظر می کند که تهیح و عزیمت بی درنگ شاه سامانی در اثر اشعار رودکی نبوده؛ زیرا این اشعار آن قدرها اهمیت ادبی ندارد بلکه حرکت بی درنگ امیرنصر در نتیجه اثر ساز و هنر موسیقی رودکی بوده است. به نظر می رسد، نظر براون در این مورد صائب است یا لافل ساز او و نوا ی موسیقایی اش تاثیر بی مکمل و مضاعف داشته است.

موسیقی اصولن پدیده ای است ارجمند مبتنی بر علم و هنر. درتاریخ تمدن بشری همیشه موسیقی دانان جزو صنف عالمان بوده اند و می توان بر این استاد کرد که اقلیدس، نیقوماخس، تلمیوس، پلوتارک در یونان و فارابی و ابن سینا در ایران پس از اسلام، مردانی فیلسوف و عالم بوده اند و در عین حال در موسیقی به طور علمی و عملی آثاری از خود به جای نهاده اند و علم موسیقی معمول به همراه ریاضیات تدریس یا تحصیل می شده. موسیقی به گونه ی یک نهضت علمی از قرن چهارم هجری توسط «کندی» شروع می شود. کتاب «موسیقی الکبیر» حکیم فارابی، اولین کتابی است که مباحث مستوفی و مفید پیرامون صدشناسی و علم موسیقی مطرح می نماید.اصوات موسیقایی را بیان کرده و از فواصل و نیز از سازهای معمول زمان خود: تنبور (به خصوص تنبور خراسان)، بانج، بریط (عود) و … صحبت می کند. حکیم ابوعلی سینا آن دانشمند، طیبیب، فیلسوف و حکیم تکرار ناشدنی هم در مورد علم موسیقی کتاب دارد با عنوان «المدخل الی صناعه الموسیقی» و پس از او باید مستقیمن از صفی الدین ارموی نام برد که در قرن هفتم هجری می زیسته و موسیقی را به نحو علمی و عملی به خوبی می شناخته و در تبیین این پدیده ی ارجمندت _ هنری کوشش داشته.

آن گاه، علی جرجانی و قطب الدین محمود شیرازی را داریم که دانشمندانی از قرن هشتم اند، و عبدالقادر مراغه ای در قرن نهم که همه ی این بزرگان آثار پر ارجی در موسیقی علمی نگاشته و به نسل های بعد عرضه داشته اند.

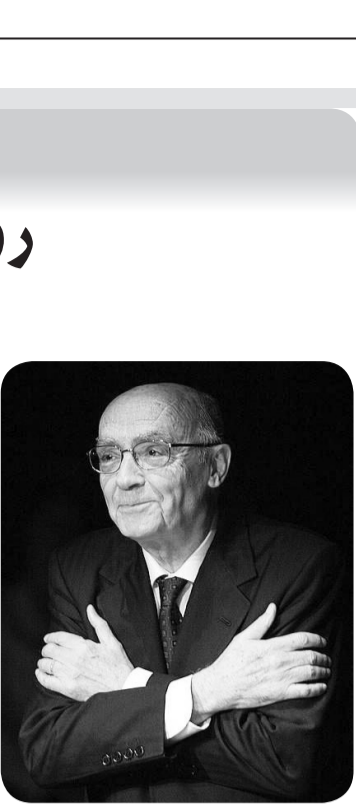
| |
|---|
| سیدمحمد سجدای |
| |
| |
| کشف انسان اولیه |
| دهم جولای ۱۹۹۷ (۱۹ تیرماه) دانشمندان اعلام کردند که با بررسی DNA استخوان اسکلت یک انسان نئاندرتال، می توان حدس زد که همه ی نسل بشر از زنی که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار سال قبل در آفریقا می زیسته به وجود آمده اند. |

| |
|---|
| ۱۳ تیر درگذشت دکترمحمدمعین |
| |
| |
| کشف انسان اولیه |
| دهم جولای ۱۹۹۷ (۱۹ تیرماه) دانشمندان اعلام کردند که با بررسی DNA استخوان اسکلت یک انسان نئاندرتال، می توان حدس زد که همه ی نسل بشر از زنی که بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار سال قبل در آفریقا می زیسته به وجود آمده اند. |



۱۳ تیرماه سال ۱۳۵۰ خورشیدی، دکترمحمد معین استاد کم نظیر زبان و ادبیات فارسی، بدرود حیات گفت. وی نخستین ایرانی بود که موفق به اخذ درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات فارسی شد. او در سال ۱۲۹۳ خورشیدی در رشت و در خانواده ای روحانی به دنیا آمد و پس از مرگ پدرش تحت سرپرستی پدربزرگ خود قرارگرفت.

او درجوانی، صرف و نحو و بعضی از علوم را آموخت و پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون به دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی راه یافت و در رشته های ادبیات، فلسفه و علوم تربیتی فارغ التحصیل شد. آنگاه از طریق مکاتبه با موسسات روان



…ساراماگو در سخنرانی پذیرش نوبل از پدربزرگ و مادربزرگش به نیکی یاد کرد؛ آنها دهقان های بی سوادی بودند که زمستان ها در همان تختی می خوابیدند که بچه خوک های شان می خوابیدند، ولی در عین حال تخیل و فولکلور را در او پرورش دادند و احترام به طبیعت را به او آموختند.

یکی از آخرین کتاب های ساراماگوو یکی از تاثیرگذارترین آثارش، کتاب خاطرات دوران کودکی اش به نام « خاطرات کوچک » بود. او در این کتاب ضربه روحی ناشی از انتقال از سرال

را که پدرش در آنجا به استخدام نیروی پلیس درآمده بود، به یاد می آورد. چندماه بعدهم برادر بزرگش «فرانسیسکو» که تنها هم شیر او بود، به بیماری ذات الریه دچار شد و از دنیا رفت. یکی از داستان هایی که ساراماگو به تعریف کردن آن خیلی علاقه داشت،ثبت کرده است. «ساراماگو» که در زبان پرتغالی به معنای « ترب وحشی» است،

سیزی ای است که روستاییان در زمان های سخت و دشوار مجبور به خوردن آن بودند؛ این کلمه یک لقب توهین آمیز بود که روی پدر این رمان نویس گذاشته بودند. ساراماگو در گفت و گویی در سال ۲۰۰۷ گفت: « پدر من از این بابت راضی نبود، ولی مجبور بود با این اسم کنار بیاید چون در هر حال اسم رسمی و ثبت شده پسرش بود.» پدر و مادر ساراماگو، آنگونه که در کتاب خاطرات خود به یاد می آورند، آنچنان فقیر بودند که مادرش چهار

هر سال ملحفه های شان را گرو می گذاشت، و آلونک روستایی پدربزرگش به شهر بزرگ لیسبون

با یاد ژوزه ساراماگو،

روایتگر شکندگی تمدن بشر

ترجمه فرشید عطایی

امیدوار بود که بتواند آنها را برای زمستان پس بگیرد. با اینکه ساراماگو محصل قابلی بود، وضع اقتصادی ضعیف خانواده اش باعث شد تا از رفتن به دبیرستان در ۱۲ سالی محروم شود و به جای آن به هنرستان فنی برود و در رشته مکانیک اتومبیل تحصیل کند. با این حال، سخت ترین چیزی که در زندگی اش تجربه کرد، رژیم فاشیستی ای بود که در فاصله سال های ۱۹۲۶ الی ۱۹۷۴ برکشور پرتغال حکمرانی کرد. او خیلی کم در مورد این تجربه اش مطلب نوشته است. کتاب « سالی که ریکاردوریس محل زندگی اش اسم او را « ژوزه خلیا

ساراماگو در گفت و گویی در سال ۲۰۰۷ گفت: « پدر من از این بابت راضی نبود، ولی مجبور بود با این اسم کنار بیاید چون در هر حال اسم رسمی و ثبت شده پسرش بود.» پدر و مادر

ساراماگو، آنگونه که در کتاب خاطرات خود به یاد می آورند، آنچنان فقیر بودند که مادرش چهار هر سال ملحفه های شان را گرو می گذاشت، و

درام نویسان جهان

لسینگ (۱۷۲۹– ۱۷۸۱) Lessing

« گوت هلد افرایم لسینگ »در ۲۲ ژانویه ی ۱۷۲۹ در ناحیه ی کامنتس ساکسونی در آلمان در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. آبدادش همگی کشیش بودندو پدرش نیز به پیروی از آنان کشیش پروتستان مذهب بود. لسینگ، تحصیلات ابتدایی اش را در همان ناحیه زادگاهش فرا گرفت و سپس در سال ۱۷۴۶ پدرش او را برای تحصیل در رشته ی الهیات روانه دانشگاه لایپزیک کرد. اما لسینگ به زودی پی برد که به این رشته علاقه ای ندارد و در عوض ذوقی در امور هنری، به خصوص تئاتر دارد.

ابتدا تصمیم داشت همچون مولیر که سخت مورد علاقه اش بود در مقام نویسنده و بازیگر، نمایشنامه بنویسد و خودش آن ها را اجرا کند. به همین منظور اوقات بسیاری را در پشت صحنه تئاتر کارولین نیبر تئاتر صرف نمود. هر چند در این راه چندان موفق نشد لیکن تجربیات فراوانی کسب کرد که در آثار اولیه اش به خوبی دیده می شود. این آثار، کمدی هایی منائر از آثار نمایشنامه نویسان فرانسوی بودند که مشخص ترین آن نمایشنامه « دانشجوی جوان » نام دارد که در سال ۱۷۴۸ نوشته شد. در این اثر لسینگ به زیر زبکانه ای عقاید خرافی را به تمسخر گرفت و انتقاداتی هم به برخی از نظرات و عقاید معاصرانش نمود. لسینگ دو نمایشنامه ی « روح آزاد » و « فونن » را در سال ۱۷۴۹ بعد از نمایشنامه ی « دانشجوی جوان » نوشت. علاقه و توجه او به تئاتر موجب رنجش و ناراحتی پدر و مادرش گردید. او را به خانه فرخواندند و مواخذه اش کردند.

لسینگ دیگر نمی خواست رشته ی الهیات را دنبال کند. خانواده اش هم حاضر نبودند فرزندشان رشته تئاتر را ادامه دهد. پس از بحث و جدلی طولانی آن ها در این امر به نتیجه رسیدند که وی به لایپزیک باز گردد و در رشته ی پزشکی به تحصیل بپردازد. اما تحصیل پزشکی هم نتوانست توجه او را که معطوف به تئاتر بود، به خود جلب کند. پس از یک سال پزشکی را رها کرد و در حالی که بیست سال بیشتر نداشت لایپزیک را ترک کرد و به برلین رفت و با نوشتن نقد و ترجمه مقالات در یکی از روزنامه ها شروع به کار کرد. برای مدتی هم به وینتبرگ رفت و تحصیلاتش را در دانشگاه این شهر به اتمام رساند و مجموعه ای از اشعارش را منتشر ساخت و به زودی در این شهر به شهرت

داد

شناسی بلژیک، روان شناسی علمی و رشته های خط شناسی،

چهره شناسی و مغزشناسی را آموخت. در این هنگام دوره دکتری خود را نیز به پایان رساند. دکترمعین از سال ۱۳۲۵، سال آغاز طبع و نشر لغت نامه دهخدا از سوی علامه دهخدا در این مورس مشغول به فعالیت شد.

عمده ترین آثار این ادیب بزرگ بارها از سوی دانشگاه و مجامع علمی و ادبی و مترجمهان موفق به اخذ جوایز ارزنده شد. ستاره های نادیده داستان خرداد و مراد، حکمت اشراق و فرهنگ ایران، آیینه اسکندر، دوره کامل فرهنگ فارسی از جمله ی این آثارند.

بر دار رفتن مازیار

سوم جولای سال ۸۳۹ میلادی (۱۲ تیرماه) قتل « مازیار » حکمران وقت مازندران به دست المعتمد، خلیفه عباسی به وقوع پیوست. مازیار از خاندان اسپهبدان مازندران پسر قارن و قارن پسر و نداد هرمز و ونداد نوه ی سوخرا بود. مازیار در آمل بر اثر خیانت برادرش « کوهیار » که فریب عوامل خلیفه از خورده بود دستگیر و به سامرا (سامره) منتقل و به المعتمد تحویل داده شده بود که پس از شکتجه بسیار کشته شد. جسد مازیار که زیرشکتجه کشته شده بود در همان محلی که جسد بابک خرم دین برادر شده بود به دار کشیدند.

خلیفه پیش از آن از راه ریا و نیزنگ، حکومت مازیار بر مازندران را تایید کرده بود.المعتمد استقلال طلب دیگر ایران، « افشین

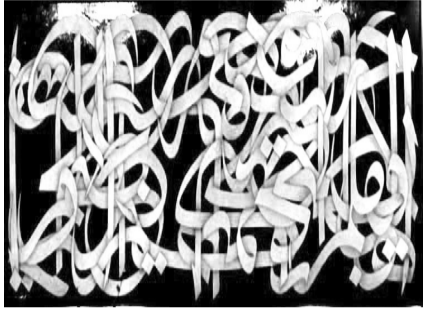
فرهنگ و هنر

دوشنبه ۲۸ تیر ۱۳۸۹

خط خوش

نقاشی خط

… تفنن در خطاطی سابقه ای بسیارقدیمی در میان نقاشان و خوش نویسان گلبه ی ما دارد. از نوشته هایی که به خط کوفی روی ظروف لعاب هزار ساله نیشابور، تاطبری های پیچ در پیچ و خطوط ثلث در هم تنیده و گره خورده، کتیبه ها، تا نمونه های تفتنی تری نظیر آن قطعه ی ثلث تذهیب شده کار زین الدین محمود، خطاط و مذهب قرن نهم، تا رنگه نویسی های اسدالم… شیرازی و تابلوهای آرننگ و رنگ روغن اسماعیل جلایر که صدسال پیش تر از رضامافی، حروف و کلمات شش دانگ خط نستعلیق را در هم پیچاند و قفل کرد، تا همه ی آن بسمله هایی که در آن ها « بسم



…الرحمن الرحیم » شکل پررند را و از « نادعلیا مظهر العجایب » هایی که شکل شیر را ساخته اند. «

نقاشی خط چیزی نیست که به تازگی پدید آمده باشد، در زمان سابق هم کسانی که خط طغرا می نوشتند، کارشان نوعی از این شیوه بود. این مسئله تنها به آن دروغ محدود نمی شود چرا که از آن پس نیز ما شاهد آثاری نظیر مرغ بسمله و تصاویر مختلفی که به مدد خط در معماری اسلامی و بناهای تاریخی ایجاد شده هستیم.

نخستین کسی که برای اولین بار در تاریخ هنر معاصر ایران اصطلاح « نقاشی _ خط » را برای این گونه آثار به کار برد، « نصرا… افجه ای » است. وی در این باره می گوید: « روزی برای تهیه کارت اولین نمایشگاهم به فکر انتخاب کلمه یا واژه ای بودم و در جایی با پرویز کلانتری (نقاش) و اسماعیل شاهرودی (عکاس و شاعر) صحبت می کردم و کلمه نقاشی خط را از ایشان مصلحت کردم. شاهرودی گفت: براساس کلمه ی « کاریکلماتور » که مخفف کاریکاتور و کلمات است بگذار « خطاشی » کلمه ی « نقاشی خط » را من برای اولین بار به کار بردم، چنان چه در پوستر نمایشگاه آثار استفاده کردم «

بنابراین مکتب نقاشی خط به معنای حقیقی و امروزی آن در دهه های چهل و پنجاه خورشیدی به همت گروهی از هنرمندان نوگرایی که از خط و خوشنویسی در آثارشان استفاده کردند (سقاخانه ای ها)، و نیز هنرمندان خوش نویسی که به مدرنیسم و نوگرایی روی آوردند، به وجود آمد. از جمله هنرمندانی که به این رویکرد به فعالیت پرداختند می توان به حسین زنده رودی، فرامرز پیلارام، محمد احصایی، رضا مافی، نصرا… افجه ای، جلیل رسولی و بعدها غلامعلی آجلی و … اشاره کرد.

پرفسور عنایت ا… رضا درگذشت



« پروفوسورعنایت ا… رضا » مدیربخش جغرافیا و عضو شورای عالی علمی مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی روز یکشنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۹ در سن ۹۰ سالگی درگذشت.

مراسم تشییع پیکرشادروان رضا، صبح روز دوشنبه از مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی برگزار شد.

از جمله ترجمه های پروفوسور رضا عبارتند از: اورارتو، تمدن ایران ساسانی نوشته لوکینون، طبقه جدید، تحلیلی از استایل جامعه کمونیست نوشته میلون، جیلاس، اسرار مرگ انسان نوشته اوتورخانوف، زاممداران شوروی نوشته سولزنتسین منابع کمونیسم روسی و مفهوم آن نوشته نیکلای الکساندروویچ بردیاف.

کتاب شناسی هرمزگان

| |
|--|
| منصورنعیمی |
| |
| |
| شکوه سکوت |
| « من به شکوه سکوت می اندیشم به فضل راستی و درستی من از سرزمین سکوت از تاریک ترین گهواره ی جهان از زهدان مادرم می آیم… » |
| کتاب « شکوه سکوت » مجموعه ی شعری است سروده « ماشالله… جماتی پور » که در انتشارات نسیم الهی، چاپ اول آن در سال ۱۳۸۸ به شمارگان یک هزار نسخه و بهای ۱۲۰۰ تومان به چاپ رسیده است. طرح و گرافیسیت این اثر، مرتضی فتح الهی و لیتوگرافی آن توسط سعیدی انجام یافته شکوه سکوت در برگیرنده شصت پاره شعر است بدون ذکر تاریخ سرایش آن ها. ماشالله… جماتی پور ادیب بزرگوار و چند سالی می شود که از این دیار کوچیده اند و در سرزمینی دیگر (سوئد) به کار و تلاش و ماشالله… جماتی زندگی بسر می کنند و شکوه سکوت گویای ذوق شاعرانه ی ایشان است و گویای دل درگرو بندرعیاس داشتن: « نامت را / در هوای شرجی و دم کرده ی بندر / بر دریا می نویسم / حتی به بلندی ابری بر ستیغ کوه گنو / نام تو را بر قطره های باران / تا سیلی شود خروشان / تا شود دریا با هزاران موج / تا باز آرد / واژه های یادتن / چون صدف / در ساحل شعر من » |
| « محسن اقتدار شهیدی » بر این کتاب یادداشتی نوشته و در اختیار ما نهاده اند که به اتفاق می خوانیم: « آن گاه که کلام داشته می شود سکوت است که معنا پیدا می کند. در ترانه ای که خنیاگر شهیر مصر « عبدالحلیم حافظ » با شعری از « البیاتی » خوانده است، گفته می شود: « گاه سکوت از هر کلامی گویا تر است » |
| و این سکوت ها هستند که با اندکی دقت به اطراف خود و رفتار انسان ها در می یابیم که واقن معانی ژرف و عمیقی پیدا می کنند.سکوت در سینما نیز هر روزه جایگاه شاخص و شناخته تری می یابد. سکوت در کویر شکوه عجیبی پیدا می کند و در جنگل، دهشت ناک و رمز آمیز می نماید. |
| و امروزه، « شکوه سکوت » نام مجموعه شعری است از ماشالله… جماتی پور، شاعر هرمزگانی که به دور از هر جایهو و ادعایی، نجیبانه و آرام در کنار معدود آثار ارزشمند ادبی هرمزگان، وارد بازار بی رونق و رقم هنر و ادبیات می گردد. حال و هوای غربت و آرمان های انسانی که می رود به فراموشی اش سپارند و دورویی و انسانیت ستیزی را به جای آن برگرانند به تصویر می کشد. با خواندن شعرهای کتاب مذکور، انتظار آثاری بلندتر از تر جماتی پور داشته و تلاش او را تقدیر می کنیم.» |